

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 3, Spring 2022, 343-370
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.37024.2285

A Study human-motifs of *Ajā'ib al-makhlūqāt wa gharā'ib al-mawjūdāt* Manuscript

(A Case Study of *Ajā'ib al-makhlūqāt wa gharā'ib al-mawjūdāt* of Astan Quds Razavi Central Library Manuscript)

Sara Sadeghinia *

Abstract

Ajā'ib al-makhlūqāt is one of the illustrated manuscripts available in the Central Library of Astan Quds Razavi. This book was written by Qazvini in the encyclopedic order in the seventh century AH. This research has selected version 35212 from among three illustrated copies available in Astan Quds library and has examined its human-icon from among the icons. In the selected version, 23 images belong to human-images, which are classified into two categories. The first category consists of male or female constellations that appear in the period and have a natural structure, and the second category is imaginary creatures derived from myths and folk tales in the form of a combination of human-animal is depicted. The paintings are drawn in the style of the Jalayri School. Although the school was influenced by Chinese painting, it took on Iranian culture and, in addition to innovation, played an important role in the development of the Herat school, which was the pinnacle of Iranian painting. In this research, an attempt is made to investigate the degree of adaptation of the text with the drawings in the selected version. The research has a descriptive-analytical method and has been done through documentary and field

* Assistant Professor, Digital Art department, Art Faculty, University of Damghan, Damghan, Semnan, Iran, sadeghis@du.ac.ir

Date received: 2021-12-01, Date of acceptance: 2022-04-13



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

research. The results show that the illustrations serve the text and help the reader to identify the text's descriptions and understand them better. Wherever the artist feels the need to break the boundary between fantasy and reality, the images are more appealing. The figures are all facing west and east, with none facing each other. The figures are usually in a frame that separates them from the text.

Keywords: Astan Quds Razavi Central Library, Imaginary Creatures, Icon, Human-Motif, Illustrated Manuscript



بررسی انسان نگاره‌های نسخه خطی عجایب‌المخلوقات و غرایب الموجودات

(مطالعه موردی نسخه خطی عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات کتابخانه
مرکزی آستان قدس رضوی)

سارا صادقی نیا*

چکیده

در میان گنجینه نسخ خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، نسخه مصور عجایب
المخلوقات و غرایب‌الموجودات محمد قزوینی خودنمایی می‌کند. از میان سه نسخه مصور
موجود در کتابخانه آستان قدس، پژوهش پیش‌رو، نسخه ۳۵۲۱۲، را انتخاب و از میان
نگاره‌ها، نگاره‌های انسانی آن را مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌است. در نسخه منتخب
۲۳ نگاره، متعلق به انسان‌نگاره‌ها هستند، که در دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند. دسته نخست،
شامل نگاره‌های صور فلکی است که به شکل مرد یا زن و با ظاهری طبیعی ترسیم شده‌اند،
دسته دوم، موجودات خیالی هستند که به شکل ترکیب انسان-حیوان تصویر شده‌اند. نگاره
ها، برگرفته از اسطوره‌ها و داستان‌های عامیانه هستند و به سبک مکتب جلایری ترسیم
شده‌اند. در این پژوهش تلاش می‌شود میزان تطبیق متن با نگاره‌های موجود در نسخه
منتخب بررسی شود. پژوهش ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و به روش اسنادی و کتابخانه
ای صورت گرفته‌است. نتایج نشان می‌دهد نگاره‌ها در خدمت متن بوده و در عینیت
بخشیدن به توصیفات متن و درک بهتر مطالب به خواننده کمک کرده‌اند و هرجایی که

* استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه دامغان، ایران، sadeghis@du.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the
Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it
with others and Adapt the material for any purpose.

هنرمند احساس نیاز کرده‌است مرز میان خیال و واقعیت را درهم شکسته و جذابیت تصاویر را با قدرت تخیل خود دوچندان نموده‌است.

کلیدواژه‌ها: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، موجودات خیالی، نگاره، نگاره‌های انسانی، نسخ مصور.

۱. مقدمه

فرهنگ عجایب‌نویسی را از یک‌سو مرتبط با گسترش کتاب‌های جغرافیایی و از سوی دیگر، در پیوند با کتاب‌های حیوان‌شناسی یونانی، رومی و عربی دانسته‌اند. در عجایب‌نامه‌ها علاوه بر پرداختن به مسائلی مانند کیهان‌شناسی، جغرافیا، طبیعیات و طب، شاهد حکایات و روایت‌هایی هستیم که ریشه در باورها و اسطوره‌های مردم زمان خود دارد. لذا شاید بتوان آن‌ها را یکی از مهمترین منابع شناخت افکار و حیات فرهنگی، باورها، آداب و رسوم مردم دانست. عجایب‌نامه‌ها جلوه‌هایی از بینش و جهان‌شناسی کهن را به تصویر می‌کشند و اعتبار و باورپذیری پدیده‌ها را توجیه می‌کنند. در این‌گونه آثار مرز میان واقعیت و خیال مبهم است و هستی آن‌ها در رویارویی میان امر ممکن و غیرممکن پا می‌گیرد. هم از این روست که گاه عجایب‌نامه‌ها را در زمره ژانر فانتزی طبقه‌بندی می‌کنند (براتی، ۱۳۸۷: ۱۰).

اولین کتاب در باب طلسمات و عجایب را منسوب به پلیناس (Plinius) حکیم که ندیم اسکندر بوده‌است می‌دانند که کتاب وی الگوی عجایب‌نویسان عالم شد و در کتاب‌های عجایب نقل قول‌های فراوانی از او شده‌است. یکی از کهن‌ترین کتاب‌های فارسی در مورد عجایب‌نامه که به "عجایب‌البلدان" شهرت دارد متعلق به ابوالموید بلخی است که این کتاب را به نام ابن منصور سامانی نوشت که در سال‌های ۳۶۵ تا ۳۸۷ هجری در بخارا حکومت می‌کرد. کتاب دیگری که متن آن به فارسی موجود نیست کتابی تحت عنوان "عجایب هند" است نوشته ناخدا بزرگ شهریار رامهرمزی که در نیمه اول قرن چهارم هجری زندگی می‌کرد. در این کتاب مجموعه‌ی حکایات عجیب و غریبی که دریانوردان و بازرگانان ایرانی و هندی و عرب برای این دریانورد ایرانی نقل کرده‌اند گرد آمده‌است. پس از آن کتابی تحت عنوان "تحفه‌الغرائب" نوشته محمدبن ایوب طبری ریاضی-دان قرن پنجم هجری است. و نهایتاً عجایب‌نامه‌های محمد طوسی همدانی و محمد قزوینی است. کتاب عجایب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات قزوینی، که نامش را از کتاب

محمد طوسی همدانی گرفته‌است، کتابی موجز با نظم دایره‌المعارفی و بر پایه طبیعیات ارسطویی است که در قرن هفتم ه.ق نگاشته شد. اصل کتاب به زبان عربی و به فاصله کوتاهی ترجمه فارسی آن توسط خود نویسنده و جهت پیشکش به شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان دوره هلاکوخان تهیه گردید. قزوینی در تألیف این کتاب از آثار دانشمندانی چون ابن‌سینا، ابوریحان بیرونی و ابوعثمان جاحظ بهره برده است (همدانی، ۱۳۷۵: ۱۸). نسخه‌های خطی مصور فراوانی از این متن در گذشته، در ممالک مختلف رواج داشته و دست به دست می‌شده و ترجمه‌ی فارسی آن نیز هم از نظر اشتهار و محبوبیت دست کمی از متن عربی آن نداشته است. به گفته‌ی استوری، این کتاب پنج بار به فارسی ترجمه شده است. قدیمی‌ترین نسخه این کتاب در مونیخ آلمان موجود است که تاریخ آن به سال ۱۲۸۰م/ ۶۷۸ه.ق می‌رسد، یعنی زمانی که مولف در قید حیات بوده است (همان: ۵۶). این نسخه مصور است و جالب آن که اکثر دانشوران حشره‌شناسی پنداشته‌اند که گویا این تصاویر زیرنظر خود قزوینی آماده شده است. وستنفلد (Wüstenfeld) که دوکتاب منتشر کرده است، معتقد است که سه متن از کتاب را خود قزوینی آماده کرده است، ولی بعدها معلوم شد که مطلب از آنچه وستنفلد گمان برده پیچیده‌تر است. روسکا (Ruska) مورخ علوم دقیقه و خاورشناس معروف، ضمن تحلیل فصول انسانی و معدنی کتاب و بخصوص افسانه ترکی معروف "سنگ باران" وجود متن چهارمی را نیز کشف کرده است. قدیمی‌ترین نسخه‌های کتاب از روی متن دوم است که به قرار معلوم در زبان عربی از همه متن‌های دیگر رایج‌تر بوده و نسخه‌های خطی بسیار از آن به‌جا مانده است. اصل عربی متن سوم موجود نیست و علامت آن این است که فصل هفتم و هشتم را که از اقوام و حرفه‌ها سخن دارد بر آن افزوده‌اند. این متن قزوینی نیست و ترجمه‌های فارسی از روی آن انجام شده است. ترجمه فارسی عجایب‌المخلوقات قزوینی در سال ۱۲۶۳ قمری در تهران چاپ سنگی شد (مصور) و بار دیگر در سال ۱۲۸۳ قمری به اهتمام محمدنصیر خوانساری در ۲۷۱ صفحه به چاپ رسید. در سال ۱۳۱۰ قمری با خط محمد حسین ابن محمدشفیع خوانساری و به قطع رحلی چاپ شد. این متن علاوه بر این چاپ‌ها، سه چاپ سنگی هم در هند (دوبار در لکنهو و یک بار در بمبئی) به خود دیده‌است (مدرس صادقی، ۱۳۷۵: ۳۳). چاپ تازه‌ای از این کتاب در سال ۱۳۴۰ شمسی به تصحیح نصرالله سبوحی منتشر شده است. نهایتاً در اسفند ماه ۱۳۹۰ شمسی ترجمه فارسی کتاب عجایب به قلم یوسف بابا بیگ‌پور و مسعود غلامیه توسط انتشارات مجمع ذخائر اسلامی در قم و با مشارکت

کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتشر و در اختیار پژوهشگران قرار گرفت. هدف پژوهش حاضر بررسی نگاره‌های انسانی یکی از نسخ خطی مصور موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی و تطابق آن‌ها با متن است.

۲. سوالات تحقیق

- میزان تطابق نگاره‌ها با متن چگونه است؟
- نگارگر در تصویر کردن نگاره‌ها تا چه میزان به طبیعت وفادار و تا چه میزان از قوه تخیل خود بهره برده است؟

۳. روش تحقیق

این تحقیق ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و به روش کتابخانه‌ای (اسنادی) انجام گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، تهیه عکس از روی نسخه و مقایسه آن با دیگر نسخه‌ها بوده است. از میان سه نسخه خطی مصور ترجمه فارسی موجود در مخزن نسخ خطی بخش تالار مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی، برای بررسی نگاره‌ها، نسخه شماره ۳۵۲۱۲ که از کیفیت و تعداد نگاره قابل توجهی برخوردار بوده، انتخاب شده است. سپس به دلیل عدم دسترسی کامل به متن نسخه منتخب، جهت تسهیل در خواندن متن از نسخه فارسی چاپ سنگی بخش مخزن کتابخانه آستان قدس استفاده شد. از تعداد ۲۰ نسخه چاپ سنگی عجایب‌المخلوقات موجود در مخزن کتابخانه، قدیمی‌ترین نسخه مربوط به سال ۱۲۶۴ ه.ش بود که مدنظر نگارنده قرار گرفت. دسترسی به متن کامل، انگیزه نگارگر در انتخاب کلمات کلیدی و مقطع‌های تصویری را در مجسم‌سازی نگاره‌ها مشخص می‌ساخت.

۴. اهمیت پژوهش

از آنجایی که، ریشه‌های شکل‌گیری مطالب عجایب‌المخلوقات براساس متون علمی و ادبی از قبیل نجوم، علوم غریبه بوده و تعدادی از آن‌ها براساس داستان‌هایی از پیامبران و برخی ریشه در باورها و اعتقادات مردم آن روزگار داشته است، بررسی آن می‌تواند سند معتبری

از مجموعه دانش‌های روز زمان خود و اندیشه و باورهای مردمان آن روزگار را بر ما آشکار کند. از سوی دیگر به دلیل داشتن حکایت‌های گوناگون، منبع معتبر و مهمی برای ادبیات عامه در ایران محسوب می‌شود. همچنین، مطالعه تطبیقی عجایب‌نامه‌ها امکان بررسی خط سیر و تطور، تکامل یا تغییر باورها و اعتقادات مردم از دوره‌ای به دوره دیگر را نیز فراهم می‌سازد. در پژوهش حاضر به طور خاص به بررسی یک نسخه مشخص و از میان تصاویر، به نگاره‌های انسانی این اثر ارزشمند می‌پردازد. آنچه شواهد نشان می‌دهد تاکنون تحقیقی روی نسخه منتخب و انسان‌نگاره‌های آن صورت نگرفته است.

۵. معرفی نسخه منتخب

در بین نسخه‌های موجود، نسخه شماره ۳۵۲۱۲ تنها نمونه‌ای است که آغاز و انجام آن وجود دارد و تنها نقضی که دارد این است که بر اثر آسیب‌دیدگی نسخه، بعضی از تصاویر و بخشی از متن از بین رفته است و در محل تصاویر با کاغذ بیاض وصالی شده است. آغاز کتاب با جمله «کتاب المخلوقات العظیم لک و الکبیر...» و در ترقیمه یا انجامه کتاب آمده: «ابوریحان گفت شنیده که در عهد کیانیان روباه طیاری بود و آن را مبارک شمردندی و بر مبارک این کتاب را ختم کردم...» در این برگ تصویر اسب شاخدار و روباه طیار نقش شده است. کتاب دارای دو مقاله (و هر مقاله در چند نظر، فصل، قسم و نوع) و خاتمه است. نسخه حاضر از مترجمی ناشناس است که ترجمه را در هندوستان به نام «ابوالظفر ابراهیم عدل شاه» متوفی ۹۶۵ ق انجام داده است و در اوایل شعبان ۹۵۴ به پایان رسانده است. متن عربی آن در سال ۶۷۴ تألیف و بعد از آن چندین مرتبه به فارسی و اردو ترجمه، خلاصه و چاپ شده است. از نظر کتاب‌آرایی نسخه، نوع خط نستعلیق است. عدد اوراق آن معلوم نیست ولی آخرین برگ کتاب عدد ۲۱۸ را نشان می‌دهد. ابعاد آن ۲۶/۵×۱۹/۵ سانتی‌متر و جلد تیماج مذهب است. متأسفانه قسمت‌هایی از متن و تصاویر اوراق بریده یا پاک شده است، لذا تعداد سطرهای نسخه مشخص نیست. این نسخه در کل مزین به ۸۴ تصویر است و تأثیرات سبک هندی مانند تصویر شدن غلامان سیاه‌پوست، اسطوره‌های بودایی، نمادها، حیوانات و پرندگان هندوستان در برخی نگاره‌ها مشهود است. از میان ۸۴ نگاره، ۲۳ تای آنها، انسانی و بقیه مربوط به جانوران و پرندگان هستند. نسخه در سال ۱۳۸۶ از طرف رهبری به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شده است.

۶. پیشینه تحقیق

مقاله‌ای با عنوان "نقش مرغ در نسخه‌ی عجایب‌المخلوقات" که با همکاری سیرینکس فن-هس (Hee, Syrinx von) از انجمن مطالعات شرقی دانشگاه بن و ادوارد شوارتس (Schwartz, Edwa) از موسسه زیست‌شناسی دانشگاه هامبولت (Humboldt University) (۲۰۰۴) بر روی یکی از نسخ مجموعه‌ی عربی کتابخانه ایالتی باواریا (Bavaria) انجام شد، به ویژگی‌های عمومی و فنی منتخبی از مرغ‌نگاره‌ها از نگاه پرنده‌شناختی پرداخته‌است. از مقالاتی که در خصوص کتاب قزوینی در ایران به چاپ رسیده‌است می‌توان به مقاله "عجایب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات محمد مشتری (۱۳۹۱) اشاره کرد که درآمدی بر شرح و معرفی کتاب به تصحیح یوسف بابا بیگ‌پور و مسعود غلامیه دارد. مقاله‌ی دیگری تحت عنوان "نقدی بر کتاب عجایب‌المخلوقات قزوینی در تصاویر چاپ سنگی علیقلی خوبی" نوشته محمدجواد احمدی‌نیا (۱۳۹۳) نوشته شده‌است. در این مقاله به شیوه و سبک نگارگری علیقلی خوبی پرداخته شده‌است. مقاله‌ای تحت عنوان "پیشرفت‌های حیرت‌انگیز؛ عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات" نوشته رشنوزاده (۱۳۸۸) که علاوه بر مقدمه کلی در باب کتاب به معرفی نسخه‌های چاپ شده آن در دنیا می‌پردازد. مقاله تحت عنوان "مطالعه تطبیقی دیوها و موجودات مافوق طبیعی در عجایب‌المخلوقات قزوینی و بحیره‌ی فزونی استرآبادی" تألیف معصومه ابراهیمی (۱۳۹۱) نوشته شده‌است که در آن به بررسی تطبیقی سیما و ویژگی‌های موجودات وهمی در دو عجایب‌نامه پرداخته شده‌است. سیروس علایی در مقاله‌ای تحت عنوان "جهان‌نمای قزوینی" (۱۳۷۲) به اهمیت نقش قزوینی به عنوان یک دانشمند بزرگ ایرانی در محافل جهانی نقشه‌نگاری اشاره دارد و مقاله لاتین خود را که در مورد نقشه‌نگاری قزوینی در سال ۱۹۹۳م در مجله "انجمن بین‌المللی دوستداران نقشه" در لندن منتشر شد و طبق گفته وی، با استقبال شدید غربیان مواجه گشت، به فارسی برگردان کرده‌است. علایی در این مقاله به نقشه‌ای که نسخه کتابخانه پژوهشی گوتا آلمان موجود است، می‌پردازد. در مقاله دیگری تحت عنوان "تطابق متن و تصویر در نگاره‌های موجودات خیالی عجایب‌المخلوقات قزوینی" نوشته سمیه مهریزی ثانی و فرهاد مهندس‌پور (۱۳۹۰) نگارندگان به بررسی ده نگاره از موجودات خیالی نسخه خطی کتابخانه دانشگاه پرینستون آمریکا پرداخته و میزان تطابق متن و نگاره‌ها را مورد واکاوی قرار داده‌اند.

۷. زندگی‌نامه قزوینی

زکریا بن محمد بن محمود انصاری کمونی (کوفی) قزوینی، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان، گیاه‌شناس و جانورشناس بزرگ ایرانی است. از آنجایی که عمده عمر خود را در مناطق عرب زبان ساکن بوده و کتابهایش را به زبان عربی تصنیف کرده است متأسفانه، برخی شرق‌شناسان او را از تبار اعراب می‌دانند و این در حالی است که از سبک نوشته‌های قزوینی معلوم است که عربی زبان مادری او نبوده است. قزوینی در سال ۶۰۵ ق. / ۱۲۰۸ م به دنیا آمد. در عراق، به فرمان مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی با منصب قضای حله (۶۵۰ ق.) و واسط (۶۵۲ ق.) مشغول کار شد و در مدرسه شراییه واسط نیز تدریس می‌کرد (بیگ باباپور، غلامیه، ۱۳۹۰: ۴۶) وی در ۷ محرم سال ۶۸۲ ق. / ۱۲۸۳ م در واسط درگذشت و پیکرش را به بغداد منتقل و در مقبره شونیزیه دفن کردند. زکریا ابن محمد قزوینی را بلیناس شرق و هردوت قرون وسطا نامیده‌اند و به نظر بسیاری از تحلیلگران، فرم عجایب‌نویسی با عجایب‌المخلوقات قزوینی به حد کمال رسید. کارهای قزوینی به گفته ادوارد براون «خارج از عصر خود قرار دارند» و در دوران‌های بعد از او در جهان اسلام و شبه قاره هند نیز تأثیر فراوان داشته است (همان: ۵۰).

۱.۷ فلسفه عجایب‌نویسی

از آنجایی که رویا و خیال‌پردازی ایرانی‌ها مملو از تصاویر غریب و اعجاب‌انگیز است و این در ادبیات و نوشته‌های این سرزمین نیز به طور گسترده‌ای ظهور یافته است، لذا شاهد وجود چنین تصاویر و نگاره‌هایی در عجایب‌نامه‌های ایرانی نیز هستیم. خیال‌پردازی و عجایب‌انگاری، در متونی چون ستاره‌شناسی، جغرافیا، نژادشناسی و انسان‌شناسی، متون علمی و حتی متون پزشکی قدیمی نیز دیده می‌شود. یکی از آن‌ها ارداویراف‌نامه است که یکی از اساسی‌ترین منابع برای شناخت آموزه‌ها درباره جهان دیگر در ایران باستان است. در این راستا، می‌توان به متون مذهبی و دینی در اقوام مختلف و سایر کتب دینی اشاره نمود، به گونه‌ای که گاهی در بین آن‌ها می‌توان شاهد موجودات و افسانه‌های غریب بود که "عجایب‌المخلوقات" یکی از شاخص‌ترین آنهاست (بیگ باباپور، غلامیه: ۵۱) این گروه از آثار بیش از هر چیز دانشنامه‌های عمومی هستند و در آن‌ها از همه وجوه جهان هستی سخن گفته می‌شود؛ از این رو آن‌ها را بیشتر در ردیف آثار کیهان‌شناسی قرار می‌دهند.

اموری که در این رسالات از آن‌ها به امر عجیب یاد شده، یا متأثر از باورهای دینی و قومی است و یا ناشناخته‌های اعصار پیشین است. نویسندگان این آثار هدف خود را از تدوین چنین آثاری، ذکر قدرت خداوند و آشکار ساختن توانایی او بر خلق چنین عجایبی به منظور تنبه انسان می‌دانند. عجایب‌نامه‌ها و شکل روایت در آن‌ها تأثیر عمده‌ای بر پیدایش «افسانه» و برخی دیگر از گونه‌های ادبیات عامه، همچون امثال و حکم نهاده است. در واقع می‌توان افسانه را شکل نهایی و فرم یافته‌ای از روایت‌های عجایب‌نامه‌ها نامید که در مسیر نوشتاری خود به تحول رسیده‌اند.

۲.۷ معرفی کتاب عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات قزوینی

کتاب "عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات" قزوینی که در نیمه دوم قرن سیزدهم میلادی/هفتم هجری قمری به زبان عربی به رشته تحریر درآمد، شامل دو بخش است که به‌طور جداگانه از جهان علوی و سفلی سخن دارد. قزوینی در ابتدای کتاب ضمن آوردن آیاتی از قرآن و ذکر دو داستان، در پی آن است که لزوم پرداختن به مسائلی از این دست را ثابت کند. او هدف خود را از تالیف چنین اثری، تفکر در معقولات و نظر در محسوسات و بحث در حکمت آن‌ها دانسته، «تا حقایق آن‌ها روشن گردد و قدرت خالق از راه نظر در مخلوق شناخته شود.» (همان: ۵۴) کتاب شامل چهار مقدمه است: در مقدمه اول به شرح واژه عجب (عجیب) می‌پردازد. قزوینی در این کتاب غریب را این‌گونه تعریف می‌کند: «امر غریب، امری باشد که مثل آن کم واقع شود و مخالف عادات باشد یا تاثیر نفوس باشد یا تاثیر امور فلکی یا تاثیر اجرام عنصری». قزوینی به موضوعات مختلفی با عنوان امور غریب اشاره کرده است؛ از نگاه قزوینی اموری غریب به نظر می‌رسند که بسیار معمولی هستند ولی وی آن‌ها را عجیب جلوه داده است. مقدمه دوم تقسیم مخلوقات است. مقدمه سوم در مورد واژه غریب است و مقدمه چهارم درباره تقسیم موجودات که طبق مکتب یونانی و به‌ویژه ارسطو انجام شده است. قسمت اول که خاص جهان علوی است از اجرام سماوی یعنی آفتاب و ماه و ستارگان و ساکنان جهان بالا، یعنی فرشتگان و وقت شناسی و تقویم‌های عربی و سریانی و عیدها و روزهای مشخص سخن دارد. قسمت دوم خاص زمین و پدیده‌های آن به معنای وسیع کلمه است که ضمن آن به‌طور کلی از عناصر چهارگانه و سپس جداگانه از آتش و هوا و آب و نیز شهاب‌ها و بادهای سخن می‌رود. این قسمت از

هفت اقلیم، علت وقوع زلزله و پیدایش کوه‌ها و رودها و چشمه‌ها گفت‌وگو دارد و علت‌های طبیعی و زمین‌شناختی که برای توضیح آن می‌آورد، خواندنی است. پس از آن از مناطق سه‌گانه طبیعت یعنی معدنی، گیاهی و حیوانی سخن می‌گوید که منطقه اخیر با انسان و خصایص اخلاقی و تشریح و ترکیب عضوی او و مشخصات اقوام مختلف آغاز می‌شود و به دنبال آن از مخلوقات دیگر و در ابتدا از جنیان و غولان سخن می‌رود و از این مجموع تصاویر و نگاره‌های رنگارنگ زیبایی پدید می‌آید. نهایتاً کتاب به دو مقاله تقسیم می‌شود. مقاله اول که در باب علویات است شامل سیزده نظر است: اول: در حقیقت افلاک و اشکال و موقعیت‌های آن، دوم: درباره فلک ماه، سوم: درباره فلک عطارد، چهارم: درباره فلک زهره، پنجم: درباره فلک خورشید، ششم: درباره فلک مریخ، هفتم: درباره فلک مشتری، هشتم: درباره فلک زحل، نهم: درباره فلک ستارگان ثابت، دهم: درباره فلک البروج، یازدهم: درباره فلک الافلاک، دوازدهم: درباره ساکنین آسمان‌ها که همان ملائکه هستند و نظر سیزدهم: درباره زمان است. مقاله دوم نیز که مربوط به سفلیات است به چهار نظر تقسیم می‌شود؛ به ترتیب کره آتش، کره هوا، کره آب و درباره کره زمین می‌پردازد و سپس به بررسی کائنات و موجودات هستی اشاره دارد که آن‌ها اجسامی هستند که از عوامل اصلی و مادر متولد می‌شوند و شامل سه نظر: فلزات، گیاهان و حیوانات است. یکی از دلایل رواج فراوان کتاب قزوینی وجود تصاویر و مینیاتورهای کم‌نظیر در آن است که از جمله در نسخه مونیخ و نسخه موسسه مطالعات شرقی دیده می‌شود. اگر چه برخی از تصاویر گیاهی و جانوری و اقسام وحوش خیالی هستند اما در بعضی از نگاره‌ها به توضیح مسائلی مهم از قبیل تاریخ تصویر ستارگان و پاره‌ای مسائل تاریخ طبیعی، کمک کرده‌است. مرز جغرافیایی دنیایی که قزوینی با تمام عجایب و غرایبش تصویر می‌کند، از شمال به قفقاز، از جنوب به خلیج فارس، از شرق به چین و از غرب به نیل منتهی می‌شود (مهریزی ثانی و مهندس پور، ۱۳۹۰: ۱۲) لازم به ذکر است که همه نسخه‌های خطی قزوینی همچون مولفات کیهان‌شناختی متاخرحرائی و ابن‌الوردی با یک نقشه مدور جهان از نوع نقشه اصطخری همراه است (کراچکوفسکی: ۲۸۵)

۳.۷ دیدگاه قزوینی در مورد انسان

قزوینی در باب جانورشناسی رساله‌ای در کتاب عجایب‌المخلوقات گنجانده. او موجودات را به سه قلمرو تقسیم کرد، و حیوانات را در بالاترین مرتبه قرار داد. اما پس از آن حیوانات را به هفت دسته تقسیم کرد: انسان، جنیان، دواب (اسب، قاطر و خر)، حیوانات اهلی (غنم)، حیوانات وحشی، پرندگان و نهایتاً حشرات. قزوینی سه بخش آخر رساله خود را به یادداشت‌هایی درباره حیوانات به ترتیب حروف الفبا اختصاص داده است. در ابتدای بحث جانوران، ضمن بیان ویژگی‌های معدنیات، گیاهان و جانوران، حس را مهم‌ترین وجه تمایز جانوران از دو گروه دیگر می‌داند و آن را ناشی از حکمت خداوند ذکر می‌کند. از نکات قابل توجه در طبقه‌بندی قزوینی قرار گرفتن جنیان در زمره جانوران است. او ضمن بیان طبقات جانوران به معرفی گونه‌های مختلف آن‌ها هم پرداخته است و در مورد هر یک از آن‌ها اطلاعات مختلفی را می‌آورد (بیگ‌باباپور و غلامیه، ۶۷) در نوع اول حیوانات، انسان را طبقه‌بندی می‌کند و در نظر اول به حقیقت انسان می‌پردازد. او معتقد است که انسان مرکب است از بدن و نفس و نطق. «و اما بدن و نفس همه حیوانات با او (انسان) مشترک‌اند؛ اما قوت ناطقه قوتی است که او بدان ممتاز است از سایر حیوانات. باری عز و جل - این نوع را خوب‌تر و شریف‌تر جمله حیوانات آفریده است. او را مخصوص کرده است به عقل تا بدان مصالح و مفاسد اشیا بداند و صورت او را به شکل بدیهه آفریده است... گویند که آدمی عالم کوچک است، از آن‌رو که در نشو و نمو است، به نبات ماند و از آن روی که حس و حرکت دارد، حیوان است و از آن روی که مخاطب است به خطاب باری تعالی به عبادت و طاعت ملک را ماند؛ و چون معلوم شد که آدمی مجمع این معانی است هر که همت خود را صرف کند تا جهتی از این جهات بدو لاحق شود، بهتر بود...» (قزوینی، ۱۴۹)

۸. سبک نگاره‌های نسخه منتخب

سبک هنری نگاره‌های عجایب‌نامه قزوینی را با توجه به مکان خلق آن یعنی بغداد و زمان آن اواخر قرن هشتم به مکتب جلایری نسبت می‌دهند. روشناس معتقد است:

گرچه شاید نتوان میان اواخر قرن هشتم یا اوایل قرن نهم تاریخ دقیقی برای مصور شدن عجایب‌المخلوقات ارائه داد، اما می‌توان به احتمال قریب به یقین گفت که در

فاصله میان دوره جلایری و تیموری استنساخ و مصور گردیده است (روشناس، ۱۳۸۲:

۱۰)

در دوره جلایریان نگاره‌ها خود به اثری مستقل در نسخ تبدیل می‌شوند. طراحی نگاره‌ها پُر احساس‌تر و رنگ‌پردازی‌ها غنی‌تر شده و حرکت و پویایی مورد توجه هنرمند قرار می‌گیرد. در نگاره‌های کتاب عجایب‌المخلوقات، با توجه به گرد بودن چهره‌ها، شاهد تاثیر سبک چینی هستیم هر چند بعدتر تغییر فاحشی در چهره‌ها و کشیدگی اندام‌ها دیده می‌شود. گری معتقد است کوتاهی دوران سلطنت سلطان احمد در طی یورش‌های پی‌درپی تیمور و حمله ترکمنان به تبریز در این زمینه بی‌تاثیر نبوده‌است (گری، ۱۳۶۹: ۴۶) البته موضوع و محتوای متنی کتاب عجایب‌المخلوقات نیز باعث می‌شد که نگاره‌ها نسبت به کتابی چون شاهنامه دموت و یا دیوان خواجهی کرمانی، که در همین دوره مصور و تصاویر واقع‌گرایانه و تغزلی ملهم از ادبیات ایرانی جایگزین تاثیرات سبک چینی شده، تصاویر ساده‌تری داشته باشد. بینون معتقد است: «در دوره آل‌جلایر ابتدا رنگ‌های درخشان و مناظر بهاری که معرف نقاشی ایرانی است پدید آمد. نقاش اندازه مناسبی برای پیکره‌ها و رابطه مناسبی بین تصاویر و متن کتاب پیدا کرد، این بیانگر آن است که جلایریان نقاشی ایرانی را مورد توجه و حمایت خود قرار داده‌اند (بینون و دیگران، ۱۳۶۷: ۱۴۳-۱۴۴) نگاره‌های موجود در کتاب عجایب‌نامه قزوینی شامل؛ نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و موجودات خیالی و عجیب‌الخلقه است. نگارنده از میان نگاره‌های موجود در نسخه به نقوش انسانی می‌پردازد. نگاره‌های انسانی موجود در نسخه منتخب به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ صورت‌های فلکی و موجودات عجیب‌الخلقه که در قالب ترکیب انسان-حیوان دیده می‌شوند. مخلوقات ترکیبی انسان-حیوان موجوداتی هستند که ظاهری انسانی دارند مثلاً با بدن انسان و سر یک جانور دیگر یا برعکس و بعضی با حالت و رفتار انسانی به‌نمایش درآمده‌اند (طاهری، زندحقیقی، ۱۳۹۱: ۲۸). نگاره‌ها معمولاً در بین متن قرار گرفته‌اند و می‌توان گفت تمام نگاره‌ها در یک پس‌زمینه قاب مانند احاطه شده‌اند که آن‌ها را از متن مجزا می‌کند.

۹. یافته‌های تحقیق

در نسخه منتخب ۲۳ نگاره، متعلق به انسان‌نگاره‌ها هستند، که شامل صورت‌های فلکی و موجودات خیالی هستند. در ترسیم این نگاره‌ها، از اسطوره‌ها و داستان‌های عامیانه و تخیلات ذهنی هنرمند استفاده شده‌است. موجودات خیالی شامل، غول‌ها و دیوها و اجنه و همچنین موجودات ساکن جزایری مثل جزیره واق^۱ و یا زابج^۲ هستند که از نظر نویسنده، امه‌الآخر نامیده می‌شوند. صورت‌های فلکی نیز اغلب در چهره مردان و بعضاً زنان، با پوششی متعلق به دوره مورد نظر ظاهر شده‌اند.

۱.۹ صور فلکی

«صورفلکی و صور کواکب مجموعه مشخصی از ستارگان است که منجمین قدیم این صورت‌ها را به نام خدایان و حیوانات نامیده‌اند. بطلمیوس فهرستی از چهل و هشت صورت فلکی تنظیم کرده که بیشتر آن‌ها در نیمکره شمالی و استوایی قرار دارند. پس از آن در مسافت به نیمکره جنوبی زمین، ستارگان جدیدی رویت شدند که بیشتر نام آلات مربوط به کشتیرانی و نام جانوران دریایی را به خود گرفتند. از زمان بطلمیوس به بعد چهل صورت آسمانی دیگر دیده شد که بیشتر مربوط به قرن هفتم میلادی به بعد است. در باور قدما، هر کدام از سیارات منظومه شمسی، با توجه به شکل ظاهر خود، مظهری از مظاهر نور، دوستی، خشکی، زیبایی، عشق و جز این‌ها بودند. از مجموع نسبت این امور با یکدیگر و تلفیق حالات، باورهایی درباره موقعیت زمانی سعد و نحس توسط منجم بدست می‌آید که می‌تواند روشن‌گر سرنوشت هر فرد و آینده او باشد. در باور قدما، آسمان یا فلک که در برگرنده ستارگان و منظومه‌های فلکی است، اولین مخلوق دانسته شده‌است.» (در مزدیسنا و روایات اساطیری کهن، آسمان نخستین مخلوق مرئی و گیتیایی اهورامزدا است) (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۴)

در گذشته، فلک به دلیل حرکت چرخشی به شکل هندسی دایره تصور می‌شد. از آنجا که باور به کمال دایره در اشکال هندسی وجود داشت، آسمان کامل‌ترین پدیده هستی به شمار می‌رفت. یکی از منابع مهم طبیعی که با اسطوره‌ها پیوندی ناگسستنی یافته، آسمان و اجرام سماوی است. اسطوره‌هایی که در ارتباط با اجرام فلکی شکل گرفته‌اند، ریشه در باورهای مردم داشته و تا امروز نیز هم‌چنان پابرجا مانده‌اند. به عنوان مثال صورت فلکی دو

پیکر (نگاره ۶) می‌تواند بازمانده‌ای از تصاویر یانوس و یا ایزد دوچهره سومری باشد. «یانوس» خدای رومی، صورتی با دوچهره مختلف داشت و به دلیل شخصیتش، نمادی از دوتایی‌های متقابل بود: چون روز و شب، فنا و بقا، گذشته و آینده. در اساطیر هندی نیز «پاراجپاتی» شخصیتی مشابه دارد که خورشید و ماه به عنوان چشم‌های او توصیف می‌شوند و نیمی از او میرا و نیمی جاودان است. دوقلوهای آسمانی یا سران ایزد خورشید، دو سوی طبیعت انسان را نشان می‌دهند یعنی مرد عمل و مرد اندیشه که اغلب باهم دشمن‌اند و یکی دیگری را می‌کشد. نمونه مشابهی از اسطوره دوقلوها را در فرهنگ‌های مختلف می‌یابیم چون؛ هرمزد و اهریمن، ازیریس و ست، رمولوس و رموس (Cirlot, 1971: 355) در متون ستاره‌شناسی پس از اسلام، این صورت فلکی «جوزا» خوانده شد که به صورت دو انسان مذکر ایستاده که یکی از دستانشان درهم پیچیده، نشان داده شده‌است. یا صورت فلکی سنبله (نگاره ۸)، که به شکل زنی که خوشه گیاهی در دست دارد، دیده می‌شود. پیشینه این پیکره را می‌توان در اعتقاد و پرستش ایزدبانوی مادر در بین اقوام کهن یافت. این نماد، در نخستین مراحل تمدن بشر یعنی در دوران کهن‌سنگی گسترش یافت و بعدها با ظهور زراعت و اشتغال به دامپروری، به نماد تجسم باروری و تولد مشخص‌تر گردید. نقش ایزد مادر در ایران باستان به ویژه مفرغ‌های لرستان به وفور دیده می‌شود. اهمیت ایزدبانو برای جوامع باستانی باعث شد تا یکی از صورفلکی مهم در آسمان به شکل او مجسم شود. در متون ستاره‌شناسی بابلی این صورت فلکی با نام «مول آب‌سین» مشخص شده‌است. نمونه دیگری از صور فلکی را که شاید بتوان ریشه آن را در اساطیر جستجو کرد، صورت فلکی نیمسب است (نگاره) مرد-اسپی در حال پرتاب تیری از کمان بازنمایی می‌شود. این صورت فلکی را بازنمایی ایزدی سومری بنام «پایلسگ» می‌دانند که پسر «انیل» بود اما ویژگی‌های او کمتر شناخته شده‌است. واژه سومری «پاییل» به معنای جد یا نیا و «سگ» به معنای رئیس یا فرمانده است و در مجموع به معنای «جد بزرگ» است (White, 2008: 155) واژه میانی، یعنی «بیل» در زبان سومری به معنای «آتش‌دان» است که در مراسم آیینی مورد استفاده بوده. در ایران روز نهم ماه آذر که مقارن با برج نیمسب است، جشن آذرگان را برگزار می‌کنند که به گفته ابوریحان بیرونی

در این روز به افروختن آتش احتیاج می‌یابند و این روز عید آتش است و به نام فرشته‌ای که به همه آتش‌ها موکل است، موسوم است و زرتشت امر کرده که در این

روز آتشکده‌ها را زیارت کنند و قربانی‌ها به آتش نزدیک کنند و در امور عالم مشاوره کنند (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۴۴)

در فرهنگ بابلی، پابیلسگ از جنبه جنگاوری با ایزد دیگری بنام «نینورتا» یکی می‌شود (بلک و گرین، ۱۳۸۵: ۲۴۴) که از مهم‌ترین ویژگی‌های او داشتن سرشت جنگجویی بود. در تعدادی از آثار به جا مانده از بین‌النهرین، پابیلسگ یا نیمسب در حال شکار یک موجود شیطانی است که می‌تواند پیشینه‌ای برای صورت فلکی قوس یا نیمسب در حال تیر زدن به اژدهایی که در انتهای دم نیم‌تنه اسب قرار دارد، باشد



تصویر ۱ سمت راست: ایزد دو چهره سومری (Schwabe, 1951: fig 256)
تصویر ۲ سمت چپ، نگاره کوکب التوامین در نسخه منتخب



تصویر ۳ سمت راست، لوحی از اوروک با نقش ایزد شالا (White, 2008: fig 60)
تصویر ۴ سمت چپ، نگاره کوکب سنبله در نسخه منتخب



تصویر ۵ سمت راست، مهر بابلی با نقش پایلسگ (White, 2008: fig 100)
تصویر ۶ سمت چپ، نگاره کوکب نیمسب یا قنطورس در نسخه منتخب

۲.۹ موجودات خیالی

موجودات خیالی ارتباط نزدیکی با اندیشه‌های اساطیری دارند و در واقع، زاده روح اسطوره‌پرداز انسان اولیه هستند که در برابر طبیعتی بی‌کران و ناشناخته قرار گرفت. انسان‌های اولیه که در برابر طبیعت، سلاحی جز اندیشه و تخیل نداشتند، به آن پناه بردند. موجودات ترکیبی، محصول تخیلی است که آدمی را از ترس ناشی از ناتوانی در برابر طبیعت محفوظ داشت و به وی قدرت‌هایی اعطا کرد تا از لحاظ روحی، مقهور طبیعت نگردد. لذا در تمدن‌های نخستین نقش هیولاها و موجودات ترکیبی بسیار پررنگ و درکنار ایزدان دیگر پرستش می‌شدند. پس از آن، در فرهنگ مزدیسنا، دیوها از جایگاه پرستش، بر خلاف سنت هندی به خصوص در وداها، افول کردند. کریستین سن، دیوان را وابسته به آیین مهر و آن‌ها را همچون مهر، ناهید و دیگر فرشتگانی می‌داند که بعدها توسط زرتشت طرد شده‌اند (Christiansen, 1941: 4-5) در واقع واژه دیو در اصل برای نشان دادن ایزدان فروغ و روشنایی به کار می‌رفته که تا مدت‌ها در مناطق شرقی فلات ایران پرستیده می‌شدند (دیویسنا). اما با گسترش آیین زرتشت، آن‌ها به عناصر و نیروهای جهان بدی و ناپاکی تعلق گرفتند و به عنوان آفریده اهریمن شناخته شدند. پیروان دیویسنا مردمانی جنگاور و جسور بودند و تا مدت‌ها میان آن‌ها و پیروان مزدیسنا نبردهایی درگرفت. خاطره این نبردهای اولیه که در پی آن‌ها در آغاز اقتدار قوم ایرانی رخ داد، گذشته از این‌که عناصر اصلی حماسه‌های ما را گرد آورد، تصوراتی نیز درباره بومیان فلات ایران برجای گذاشت

که با گذشت زمان به شاخ و برگ افسانه آراسته شد و منجر به تصور موجود زیان‌کار و زشت‌چهره‌ای بنام «دیو» گردید (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۶۲) از اوستا و شاهنامه چنین برمی‌آید که دیوان ساکنین آغازین ایران باستان بوده‌اند. فردوسی فعالیت دیوان و پریان را در آغاز تاریخ بشر براساس روایات افسانه‌آمیز دوران ساسانیان نقل می‌کند. سیامک پسر کیومرث نخستین شهریار جهان، به چنگال دیو سیاه گرفتار شد (Christiensen, 1941: 93) در دوران اسلام، رویارویی پیامبر و یارانش با گونه‌هایی از جن در سفر، به سرزمین‌های بیابانی و دورافتاده از مصر و مکه و بحرین گرفته تا عمان و صنعا، ما را با طیف وسیعی از باورهای مربوط به موجودات وهمی که میان اعراب و ایرانیان مشترک است، روبرو می‌کند. کریستن‌سن، جن، غول و نسناس را موجوداتی از فرهنگ سامی می‌داند که همراه اعراب به فرهنگ ایرانی وارد شدند و ایرانیان آن‌ها را با موجودات وهمی و اساطیری خود ترکیب کردند (Christiensen, 1941: 71) با توجه به آن‌که در بین جنیان هم، مانند انس، مومن و کافر وجود دارد، پس جن به طور مطلق نمی‌تواند زیانکار باشد، برخلاف دیو که گفته شد اگر جنیان جزو دسته طغیان‌گران قرار گیرند در هیئتی زشت (دیومانند) ظاهر می‌شوند، دیوان موجوداتی زیانکار هستند که از تیره جنیان‌اند (طاهری، زندحقیقی، ۱۳۹۱: ۳۰). دیوی که غول نام دارد در اعداد اجنه جای دارد که در صحرا روزگار می‌گذرانند و به صورت‌های گوناگون ظاهر و مسافران را گمراه می‌کند. غول در عبری به معنای مودار است و گاهی آن را به بز ترجمه کرده‌اند. در ترجمه یونانی کتاب مقدس، غول به دیوان ترجمه شده و مراد ارواح پلید است. به گمان عوام، غول موجودی خیالی است که نیمه بالای تن او انسان و نیمه پایین او به شکل اسب یا بز تصویر شده و با باکوس، خدای شراب که در جنگلهاست، دوستی دارد (یا حقی، ۱۳۸۶: ۶۰۶).



تصویر ۷ سمت راست، نقش هارپی روی کمر بند اورارتویی، زیویه، قرن ۸ پ.م (رحمانی، محمودی،

۱۳۹۶: 56) تصویر ۸ سمت چپ، نقش هارپی در نسخه منتخب






تصویر ۹ سمت راست، مهر استوانه‌ای با نقش موجودات ترکیبی، دوره آشور جدید (خسروی، ۱۳۸۸: ۱۰)
تصویر ۱۰ سمت چپ، موجودات ترکیبی در نسخه منتخب

جدول ۱: تحلیل نگاره‌های نسخه منتخب

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۱	کوکب الجائی (العوا)		«او را رفیض نیز گویند حکما گفته‌اند که صورت مردیست دست‌های کشیده بزانو در آمده یک پای بر طرف عصای و دیگر نزدیک آن چهار کوکبه که بر طرف سه تین است که آن‌را عواید گویند و کوکب او بیست و هشت است در صورت و یکی خارج از صورت و نزدیک صاعد راست او آن کوکب که مشترک است میان عوا آن را حساب نشمرند»	مردی نشسته روی دو زانو با دستانی گشوده. تصویر با توضیحات متن همخوانی دارد.	قلم‌گیری‌ها ظریف یادآور نگارگری مکتب جلاپری است. تنوع رنگی در این نگاره محسوس نیست. حرکت و پویایی در گشودن دست‌ها مشهود است.
۲	کوکب ممسک- الاعنه		«چهارده کوکب است آن کوکب که در میان صورت است حنا خوانند و آن کوکب نیر که بر دوش چپ اوست او را عیوق خوانند و او را که بر مرفق چپ است غیر گویند و آن دو کوکب که بر دست راست است با عیوق عیار خوانند و عیوق را رقیب الثریا گویند از آن‌روی که با ثریا در مواضع بسیار برآید»	تصویری مردی ایستاده و نیم‌رخ که روی آن به سمت چپ است و با دست راست اشاره به چیزی دارد. در متن توضیح خاصی در مورد نگاره دیده نمی‌شود. لذا میزان تطابق آن را نمی‌توان بیان کرد.	تنوع رنگی در نوع استفاده از رنگ‌های گرم و سرد در این نگاره دیده می‌شود. حرکت با موقعیت دست مشهود است.
۳	کوکب الحوا و الحیه		«صورت مردی ایستاده است و بر هر دو دست ماری را بگرفته است و کواکب او بیست و چهار است در صورت و بیست در خارج اما کواکب مار هجده است و بر گردن او کوکبی است که آن‌را عقی‌الحیه گویند و آن کوکب را که سر مار است نسق شامی خوانند و آن‌را که زیر	تصویر جوانی ایستاده رو به چپ. با دست راست اشاره به چیزی دارد. میزان تطابق با متن کم است چون در تصویر مار دیده نمی‌شود.	میزان تنوع رنگی کم. قلم‌گیری‌های ضعیف خاکستری در چهره و عدم وارد شدن به جزئیات در نوع پوشش.

تکنیک	میزان تطابق با متن	متن اصلی	نگاره	نام نگاره	ردیف
		گردن اوست نسق یمانی گویند ...«همان»			
استفاده از رنگ- های گرم در پس- زمینه خشتی تصویر را مشخص‌تر می‌کند اما ظرافت در اجرای جزئیات در این نگاره دیده نمی‌شود..	تصویر زنی نشسته روی منبر و رو به چپ با دست راست اشاره به چیزی دارد. میزان همخوانی متن با تصویر زیاد است.	«و آن صورت زنی است بر کرسی نشسته و آن کرسی را دو قائمه همچون قوائم منبر باشد و زن بر او نشسته و پای‌ها فرازیر کرده‌است»		کوکب دات- الکرسی	۴
تنوع رنگی کم و قلم‌گیری‌های ضعیف و عدم پردازش به جزئیات در پوشش و چهره از ویژگی‌های تصویر است. استفاده از رنگ گرم در مقابل رنگ سرد پس- زمینه تصویر را برجسته ساخته- است.	تصویر مردی با ردای بلند و کلاه در حالت سه‌رخ رو به سمت چپ.. دست راست او اشاره به چیزی دارد و در دست چپش سر غولی به حالت نیم‌رخ که رو به شرق است. تصویر با متن همخوانی دارد.	«او هو حامل راس الغول و حکما گفته‌اند این کوکب صورت مردیست که بر پای چپ ایستاده و در دست راست بالای سر او و بر دست چپ سر غولی دارد و کواکب او بیست و شش است از صورت و سه کوکب بیرون از صورت»		کوکب سیاوش	۵
تنوع رنگی و اشاره به جزئیات خصوصاً در چهره‌ها و پوشش شخصیت‌ها از ویژگی‌های این نگاره است که نسبت به نگاره- های قبلی آن را خاص کرده‌است.	تصویر دو آدم که دست در گردن هم دارند و رو به سمت راست ایستاده‌اند. همخوانی متن و تصویر در این نگاره دیده می‌شود.	«کوکب او هجده است و آن صورت دو آدمی است سر ایشان به جانب شمال و مشرق و پای ایشان به جانب جنوب و مغرب و کواکب هر صورتی به آن ذکر آمیخته است و آن دو کوکب که بر سر ایشان است ذراع خوانند و آن دو کوکب که میان صورت شمال غربی است هنعه گویند و آن کوکبه که بر قدم اوست و پیش قدم یمانی گویند»		کوکب التوأمین	۶

بررسی انسان نگاره‌های نسخه خطی ... (سارا صادقی نیا) ۳۶۳

تکنیک	میزان تطابق با متن	متن اصلی	نگاره	نام نگاره	ردیف
تضاد رنگی سیاه و سفید در پوشش شخصیت قابل توجه است و رنگ قرمز کلاه و پاپوش‌ها خودنمایی می‌کند. قلم‌گیری‌ها ضعیف و عدم پرداخت به جزئیات دیده می‌شود. کاراکتر از قاب پس‌زمینه خارج شده.	تصویر مردی ایستاده و نیم‌رخ رو به چپ. با دست راست اشاره به چیزی دارد. تصویر با متن همخوانی دارد.	«و آن سی‌وهشت کوکب است از صورت بر شکل مردی ایستاده در جانب جنوب در طریقه آفتاب و بدست او عصایی و بر میان او شمشیری و آن سه کوکب را که بر روی مرد است هقعه خوانند و زبانی نیز گویند و آن نیر اعظم که بر دوش چپ اوست منکب‌الجوزا خوانند و یدالجوزا نیز گویند و آن دو کوکب را که بر دوش چپ است ناچد و مزدم گویند و آن سه کوکب که بر یک صفتد بر وسط او منطقه‌الجوزا گویند...»		کوکب الجبار	۷
تنوع رنگی قابل توجه و نوع پوشش و کلاه به تصویرگری اواخر قرن هشتم شباهت دارد. ظرافت در طراحی چهره و نوع قلم‌گیری میراث‌دار هنر جلالیریان است.	پیکره به حالت نیم‌رخ و روی زانو نشسته است رو به راست دارد و با دست راست جای قرن هشتم را نشان می‌دهد و در دست چپ چیزی شبیه دسته خوشه گندم دارد. متن با تصویر همخوانی دارد.	«و آن را کوکب العذرا نیز گویند و کوکب او بیست و هشت است از صورت و آن صورت زنی است سر او آن‌جا که صرفه است و آن کوکبی روشنی است بر دنبال اسد و پای‌های او آن‌جا که پایین بر کف‌های میزان و آن کوکب که بر دوش چپ اوست عوا گویند و بعضی چنین گویند که آن کوکب که بر شکم و زیر دست اوست ایشان را عوا خوانند ز بهر آن‌که کلابند که از پس شیر بانک می‌کنند و آن کوکب نیر را که نزدیک آن دست است که بدان سنبله دارد اغزل خوانند یعنی بی‌سلاح در مقابل سماک بود...»		کوکب السنبله	۸
جزئیات کم در عین حال استفاده از رنگ‌های گرم نسبت به رنگ سرد پس‌زمینه شخصیت را برجسته کرده است.	تصویر موجودی ترکیبی انسان-اسب. چرخش سر رو به راست و دست‌ها کشیده است. حرکت در پاهای اسب و چرخش سر و گشایدگی دست‌ها دیده می‌شود. متن با تصویر همخوانی دارد.	«سی‌وهفت کوکب است و صورت او صورت حیوانیست که از سر تا کمرگاه صورت آدمی بود و از کمرگاه تا آخر صورت اسب و روی او به مشرق باشد و آخر پشت به جانب مغرب و بدست او دو شاخ باشد و بدست دیگر سری گرفته باشد و بر شکم اسب نیر است او را بطین خوانند و بر دست راست کوکب روشن است آن‌را حصار خوانند و بر دست چپ دیگری آن‌را وزن خوانند و این دو کوکب را محلفین خوانند...»		کوکب قنطورس	۹

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۱۰	غول		قزونی غول‌ها را چنین توصیف می‌کند: «گویند کسی که سفر کند و شب‌ها در بیابان تنها باشد معترض او شود و خواهد که او را هلاک کند و گویند که چون شیاطین استراق سمع کنند بارتعالی ایشان را دفع به شهاب کند. بعضی بسوزند و بعضی به دریا افتند و نهنگ شوند و بعضی به بیابان‌ها غول شوند. جاحظ گوید که غول دیویست که معترض مردم مسافر شود و هر وقتی به صورتی نماید.»	تصویر موجودی تخیلی با شمایل انسان و موهای بلند که هنرمند از قوه تخیل خود استفاده کرده‌است. رو به سمت راست و با دست به چیزی اشاره دارد. همخوانی متن و تصویر در این نگاره دیده نمی‌شود	عدم اجرای جزئیات و ظرافت در تصویر. اشاره مختصر به طبیعت در پس‌زمینه. وسعت تصویر نسبت به نگاره-های پیشین بیشتر است. استفاده از رنگ تیره در کره جلوه دادن چهره تاثیر دارد.
۱۱	غول		در ادامه می‌گوید «کسانی که غول را دیده‌اند از سر تا ناف به شکل انسان و از ناف تا آخر به شکل اسب و سم‌های او مانند سم خر است.»	تصویر خیالی از ترکیب انسان_اسب_خر به صورت سه‌رخ. متن با تصویر مطابق است.	استفاده از طبیعت در پس‌زمینه برای نشان دادن شخصیت در فضای باز. عدم وجود جزئیات. پویایی در چرخش بالاتنه و دم قابل توجه است.
۱۲	انواع دیو		سلیمان در ایشان نگاه می‌کرد و از صورت و اشکال آنها عجب داشت بعضی از ایشان را لون سرخ و بعضی زرد و بعضی سیاه و بعضی ابلق بر صورت اسب و استر و افتر و خر و شیر و بلنگ و بعضی را چون پیل خرطوم بود و سلیمان بارتعالی را سجده کرد. جبرئیل آمد و عرض کرد که از مقام خود برخیز. برخاست و انگشتری که جبرئیل آورده در انگشت کرد و جن و شیاطین در خدمت او بایستادند. سلیمان از دین و قبله و ملوک و وضع ایشان می‌پرسید و ایشان جواب می‌گفتند...»	تصویر موجودات خیالی با ترکیب انسان_حیوان تاکید بر موقعیت‌های غیر همگون. تطابق متن با تصویر زیاد است.	تنوع رنگی و حرکت در کاراکترها با موقعیت‌های متنوع. قلم‌گیری‌های ضعیف خاکستری و عدم پرداخت به جزئیات از ویژگی‌های نگاره است.
۱۳	الغدار		«دیویست که در جزایر بهار باشد و او به صورت آدمی باشد که بر شتر مرغ سوار بود و اگر کسی را مپسند، هلاک کند و گویند که قومی در سفر با او محاربه کردند بانکی بکرد و آن-جمله بر وی درافتادند و ایشان را بگرفت و هلاک کرد.»	تصویر آدمی برهنه سوار بر شتر مرغ که هر دو رو به جانب چپ دارند. با دست راست اشاره به چیزی دارد. متن با تصویر همخوانی دارد.	وسعت نگاره نسبت به متن قابل توجه است. تنوع رنگی وجود دارد. میزان ظرافت در این نگاره کم است.

بررسی انسان نگاره‌های نسخه خطی ... (سارا صادقی نیا) ۳۶۵

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۱۴	الشق		«دیویست صورت او چون یک نیمه آدمی و گویند نسناس ازین دیو و مردم در وجود آمده است و در سفرها قصد مردم کند و گویند علقمه بن سفیان در بی سفرها و شق را دید و شق قصد علقمه کرد علقمه را بزد و علقمه او را بزد هر دو هلاک شدند.»	تصویر موجودی خیالی شبیه انسان رو به راست با حالت نیمرخ در توضیحات به ویژگی فیزیکی آن اشاره نشده است.	میزان جزئیات کم است و نگاره از کیفیت بالایی برخوردار نیست.
۱۵	نوعی دیو		«...دیو دیگری بیامد بدشکل و ناخن‌های او چون ناخن‌های باز بود و در دست او بریطی، سلیمان از او پرسید که تو کدام دیوی؟ گفت من مره بن خزف و اول کسی که وضع بریط کرد من بودم. هیچ کس لذت مناهی در نیابد الا من...»	توضیحات متن با نگاره نسخه چاپ سنگی مطابق است و این نگاره مطابق با متن نیست. تصویر موجود ترکیبی و خیالی که به جای بریط شاخه-ی جویی در دست دارد.	حرکت و پویایی در پوزیشن کاراکتر ملموس است. عدم وجود ظرافت در جزئیات تصویر و عدم استفاده از رنگ‌های گرم به جز در چهره.
۱۶	دیوان		«و هب بن منبه گوید: چون سلیمان علیه السلام بار دوم مملکت بازیافت، باریتعالی فرمود تا شیاطین را جمع کرد. سلیمان آن اشکال را می‌دید و در آن میان دیوی بگذاشت که یک نیمه بدن او چون گربه او را گفت تو کدام شیطانی؟ گفت فهرین فنان. گفت عمل تو چیست؟ گفت: شرب خمر و مرا مکان به زمین هند است... سلیمان علیه السلام گفت تا نبندش کردند. دیگری آمد بر شکلی قبیح ملون چون دخان و دهن چون سگ و از هر هوی او بر اعضای قطره خون می-چکید گفت تو کدام شیطانی؟ گفت: من جلیان محولم گفت کار تو چیست؟ گفت خون ریختن بگفت تا نبندش کردند...»	تصویر موجودات ترکیبی انسان- حیوان که ظاهراً در حال گفتگو هستند. توضیحات متن مربوط به یکی از نسخ خطی کتاب عجایب است که با تصویر نسخه منتخب همخوانی دارد. در حالی که با نسخه چاپ سنگی این تطابق دیده نمی‌شود.	با توجه به موقعیت دست و پاها و چرخش سر، حرکت و پویایی ملموس است. نگاره از ظرافت و توجه به جزئیات برخوردار نیست.
۱۷	بستر گوشان		«و ایشان قومی‌اند در جهت مشرق به قرب یاجوج و ماجوج و گوش ایشان چون گوش فیل بود هر گوش چون گلیمی یکی فرش سازند و دیگری لحاف...»	تصویر گلیم گوشان رو به سمت راست با گوش‌های بلند تا زیر کمر. با دستانی که اشاره به چیزی دارند و مطابق با متن تصویر شده‌اند.	تشابه چهره دو شخصیت قابل توجه و قلم-گیری‌های ظریف به خصوص در اجزا چهره‌ها مشهود است. حرکت در موقبت پاها و دستان دیده

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
					می‌شود.
۱۸	امه الاخری		«و منها امه الاخری: نزدیک سد اسکندر در میان کوه‌ها باشد بر بالای کوه‌ها به قدر پنج سپهر روی ایشان پهن بود و پوست ایشان سیاه و بر آن نقطه‌های زرد و سفید بود»	موجوداتی خیالی با ترکیب انسان-حیوان که برهنه هستند. و سیاه‌رنگ رو به سمت راست. در فضای باز قرار گرفته‌اند. تصویر منطبق با متن است.	وجود طبیعت در پس‌زمینه و نوع قرار گرفتن شخصیت‌ها که دارای حرکت هستند. قلم‌گیری‌های ظریف در اجزا چهره‌ها و مو قابل توجه است.
۱۹	نسناس		«و همچنین امه اخیری رویشان چون روی آدمی و تنشان چون تن کشف و ایشان را روی دراز باشد. گونه‌ی آخر از امه‌اخری نسناس است»	دیوانی با پیکری برهنه که اعضای بدنشان فرد و ناطق هستند. نیم آدمی که به حالت نشسته، دست خود را بالا آورده و گویا به چیزی اشاره می‌کند. مخلوقی که دچار پدیدگی خلاصه‌گویی شده است و تکرار در اعضای بدنش نیست. متن با تصویر همخوانی دارد.	خلاقیت هنرمند با ایجاد یک خط عمود برای پنهان کردن نیمه دیگر بدن شخصیت قابل توجه است. همچنین قلم‌گیری‌های ظریف در اجزا چهره مشهود است.
۲۰	سگسانان		«و منها فی بعض جزایر الماریج: روی ایشان مانند روی سگان و باقی بدن ایشان همچون آدمی است و معاش ایشان از شمار و اشجار آن جزیره بود. اگر چیزی از حیوانات یابند، خورند.»	موجوداتی که در عجایب‌المخلوقات به سگسار معروف‌اند. متشکل از بدن انسان، سر سگ و بال هستند. طبق توضیحات متن، تصویر با متن همخوانی دارد.	وسعت نگاره نسبت به متن اهمیت دارد. قلم‌گیری دقیق و ظرافت در اجزا چهره و بال‌ها قابل توجه است. حرکت در بال‌ها و حرکت دستان دیده می‌شود.
۲۱	دوالیا		«امه اخیری: بر صورت آدمی باشند و روی ایشان بغایت خوب و در پایهای ایشان استخوان نباشد و چون مار بر زمین روند و چون آدمی نزدیک ایشان رود در گردن او بچند و هر چه خواهند از گردن پسنندازند و نتوانند و روی مردم به ناخن خراشند و او را چون دابه مسخر کنند.»	دوال در لغت به معنای تسمه چرمی که با آن طبل و کوس نوازند. دوالیا نیز به معنای کسی که دارای پاهای باریک و دراز مانند دوال باشد؛ مرد باریک ساق و شل، که در بیابان‌ها و جنگل‌ها زیست می‌کند. متن و تصویر منطبق‌اند.	حرکت و پویایی به خوبی در موقعیت پاها و دستان مشهود است. چهره پردازی و قلم‌گیری در این نگاره از کیفیت بالایی برخوردار است.

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۲۲	موجود عجیب‌الخلقه		حکایتی از زبان شافعی «چون به یعن رسیدم مثالی انسانی دیدم که از کمر تا پا صورت زنی دیدم که از کمرگاه تا فرق صورت دو بدن و چهار دست و دو سر و هر دو می خوردند و سخن می گفتند و با یکدیگر جنگ می کردند و وقتی صلح می کردند و اگر کسی میان ایشان خواستی که مصالحه کند هر دو از اعراض بان شخص توجه کرده آزار به او رسانیدندی.»	تصویر موجودی خیالی از دو انسان که بهم از ناحیه کمر چسبیده‌اند و پاها در آنها مشترک است. روی آنها به سوی یکدیگر است و دو دست مخالفشان درهم قلاب شده- لست. متن با تصویر همخوانی دارد.	تصویر از ظرافت در اجزا چهره برخوردار است. کاراکتر از پس- زمینه خارج شده و مرز آن با متن از میان رفته است. به مدد نوار سبزی رنگ شخصیت از پس- زمینه جدا شده است. پویایی مشهود است.
۲۳	هاربی		«و گویند که قمطره نهاده بودند و در آنجا طایری بود بر صفت زاغ و سر او چون سر آدمی و بر سینه و بر پشت او نقطه‌های سفید. پرسیدم که این کیست گفت: از او بهرس. گفتم او را بزنم آغاز نواع کردند.»	موجود خیالی با ترکیب انسان-پرنده که به هاربی شهرت دارد. رو به سمت چپ و مطابق با توضیحات متن است.	هرچند بخشی از نگاره مخدوش شده اما ظرافت در جزئیات به- خصوص در چهره و بدن پرنده و چنگال‌ها قابل توجه است. هنرمند در جزئیات به طبیعت وفادار است.

۱۰. نتیجه‌گیری

کتاب عجایب‌المخلوقات یکی از معدود کتاب‌های خطی مصور با نظم دایره‌المعارف است که در قرن هفتم هجری قمری به دست زکریای قزوینی نوشته شد. نسخه منتخب شامل نگاره‌هایی است که دارای ارزش هنری بالایی هستند و از میان آنها، نگاره‌های انسانی از تنوع قابل توجهی برخوردارند. نگاره‌ها، به لحاظ ریخت‌شناسی در صورفلکی در قالب انسان و در موجودات عجیب‌الخلقه به صورت ترکیب انسان-حیوان دیده می‌شوند. نگاره‌ها، متأثر از باورهای مذهبی، اعتقادی و فرهنگی هستند. آمیختگی روایت‌ها و داستان‌های قرآنی و قصص‌الانبیا با فرهنگ اسطوره‌ای و ادبیات شفاهی، در محبوبیت تصاویر در میان مردم تأثیرگذار بوده‌است. علاوه بر صور فلکی، موجودات خیالی یعنی دیوان و غولان نیز غالباً از هیبت انسان‌گونه برخوردارند. برای مثال روی دو پا راه می‌روند و می‌ایستند. برخی گونه‌ها مثل انسان به صورت دوزانو یا چهارزانو می‌نشینند (نسناس و سگ‌سانان). به دلیل عجیب و غریب بودن موجودات ترکیبی، گسترده‌گی و تنوع آنها برای تصویرگران با کم و

زیاد کردن برخی از اعضای بدن (دست، پا و سر) و یا جابجای عضوها، فراهم می‌شود. شخصیت‌های نگاره‌ها اغلب رو به سوی شرق یا غرب دارند. نگاره‌ها بخش قابل توجه از متن را به خود اختصاص داده و در همه موارد همراه با متن دیده می‌شوند. در مورد نگاره‌های صور فلکی تصویرگر از پس‌زمینه آبی برای تمام نگاره‌ها که احتمالاً یادآور پهنه آسمان است، استفاده کرده‌است. در مورد موجودات ترکیبی و خیالی، نگارگر از طبیعت برای پس‌زمینه نگاره‌ها، بهره برده‌است. به جز چند مورد استثنایی، اکثر نگاره‌ها به متن وفادارند. در عین حال نگارگر، از قوه تخیل خویش نیز بهره برده‌است و با به تصویر کشیدن توصیفات نویسنده، خواننده را به دنیایی غیرواقعی اما عینیت یافته رهنمون می‌کند. نگاره‌ها براساس درک فرهنگ عامه و شناخت باورهای جامعه تصویر شده‌اند و به فهم بیشتر خواننده کمک می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. به گفته مؤلف این جزیره به دریای زابج متصل و شامل هزار و هفتصد جزیره بوده‌است. قزوینی از قول موسی بن المبارک السیرافی می‌نویسد: چون به جزیره رسیدم و پیش ملک او که عرجون نام داشت رفتم و او را برهنه بر تختی نشسته بود و تاجی بر سر و چهار هزار دختر در خدمت او بودند. این جزیره از آن جهت واق واق می‌گویند که در آنجا درختانی هست که بار او سر حیوانات و از آنجا آوازهای عجیب می‌آید و آن قوم از آن آواز چیزی استدلال کنند از خیر و شر.

۲. در این جزیره خلقی هستند بر صورت آدمی و سفید رنگ و ایشان را پر و بالی باشد که بدان پرند و نوعی از ایشان.

کتاب‌نامه

ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۲) بررسی سیر تحول مفهومی دیو در تاریخ اجتماعی و ادبیات شفاهی، دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، دوره ۱، شماره ۲، صص ۵۳-۸۲.

براتی، پرویز (۱۳۸۷) عجایب ایرانی: روایت شکل و ساختار فانتزی عجایب‌نامه‌ها به همراه متن عجایب‌نامه‌های قرن هفتم، تهران، افکار.

بینیون و دیگران، لورنس (۱۳۶۷) سیر تاریخ نقاشی ایران، محمد ایرامنش، تهران، امیرکبیر.

بررسی انسان نگاره‌های نسخه خطی ... (سارا صادقی نیا) ۳۶۹

ترابی، ارکیده، (۱۳۹۰) بررسی آثار چاپ سنگی علیقلی خوبی در کتاب عجایب‌المخلوقات قزوینی، کتاب ماه هنر، ش ۱۵۶، صص ۳۰-۳۹.

حاسب طبری، محدبن ایوب (۱۳۷۱) تحفه‌الغرایب، به تصحیح جلال متینی، تهران، معین.
درایتی، مصطفی (۱۳۹۰) فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

روشناس، سیدمحمدامین (۱۳۸۲) معرفی یک نسخه از ترجمه عجایب‌المخلوقات قزوینی، تندیس، ش ۱۲، صص ۱۰-۱۱.

رشنوزاده (۱۳۸۸)، پیشرفت‌های حیرت‌انگیز عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، کتاب ماه علوم و فنون، ش ۱۲۳، صص ۷۴-۷۷.

طاهری، علیرضا، زندحقیقی، مریم (۱۳۹۱) تصویر دیو، غول و جن در کتاب عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات القزوینی، هنرهای تجسمی نقش مایه، سال پنجم، ش ۱۲، صص ۲۷-۳۸.
عکاشه، ثروت (۱۳۸۰) نگارگری اسلامی، ترجمه سید غلامرضا تهامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

فن‌هس سیرینکس، شوارتس ادوارد (۱۳۸۵) نقش مرغ در نسخه عجایب‌المخلوقات، ترجمه عباس آقاجانی، گلستان هنر، ش ۴، صص ۷۸-۹۰.

قزوینی، محمدبن محمود (۹۵۴.ق) عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، نسخه خطی هند، ترجمه فارسی، مجموعه کتابخانه آستان قدس رضوی، تالار مخطوطات، مخزن کتب خطی، ش ۳۵۲۱۲.

قزوینی، محمدبن محمود (۱۲۶۴) عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، چاپ سنگی قاجار، تالار مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی، مخزن کتب چاپ سنگی، ش ۳۵۹۲.

قزوینی، محمدبن محمود (بی تا) عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، نسخه خطی، ت فارسی، تالار مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی، مخزن نسخ خطی، ش ۲۸۰۲۶.

قزوینی، محمدبن محمود (۱۳۴۰) عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، تصحیح نصر... سبوحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۹) تاریخ نوشته‌های جغرافیای در جهان اسلامی، تهران، انتشارات علمی-فرهنگی.

گری، بازل (۲۵۳۵) نگاهی به نگارگری در ایران، ترجمه فیروز شیروانلو، تهران، توس.

مشتری، محمد (۱۳۹۱) عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، ماه علوم و فنون، ش ۶۸، صص ۹۰-۹۶.

۳۷۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱

مهریزثانی، سمیه، مهندس پور، فرهاد (۱۳۹۰) تطابق متن و تصویر در نگاره‌ها ب موجب وجودات خیالی عجایب‌المخلوقات قزوینی مطالعه موردی نسخه خطی مصور کتابخانه دانشگاه پرینستون، کتاب ماه هنر، ش ۱۵۳، صص ۱۰-۲۱.

محمدحسن زکی (۱۳۲۸) تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، تهران، سحاب چاپ. همدانی طوسی، محمدبن محمود (۱۳۷۵) عجایب‌نامه [عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات]، جعفر مدرس صادقی، تهران، مرکز.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶) فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.

Allan.James, *Islamic art in the Ashmolean Museum*, the Boards of Faculty of oriental studies, university of Oxford, Oxford university press, 1995.

Hagedorn.Annette & Norbert Wolf, *Islamic art*, Taschen, Honkong, 2009.

Lewicki.T, *Al-Kazwini in encyclopedia de l'Islam*, vol.4. Paris, 1978.

Christiensen.A, *Essai sur la Démonologie Iranienne*, vol.1. Copenhagen, Ejnar Munksgaard, 194.

